



تاج‌الملوک، پادشاه سلاجوقیان

تأملی در مسیر کاروان اسرای اهل بیت (ع)

مسیر جغرافیایی کاروان اسرای اهل بیت^(ع) از کوفه تا شام، از موضوع های تاریخی بسیار مهم مربوط به اربعین حسینی است و مطالعه این موضوع، از آن رو اهمیت دارد که شناخت دقیق منزلگاه های کاروان اسرای اهل بیت^(ع) در طول این مسیر، می تواند در بررسی زمان مورد نیاز برای سفر این کاروان و تشخیص مسئله بازگشت یا بازنگشتن آن ها به کربلا در روز بیستم صفر سال ۶۱ قمری، تعیین کننده باشد.

در دو دهه اخیر، کتاب های فراوانی، اغلب به زبان عربی، درباره مسیر جغرافیایی کاروان اسرای اهل بیت^(ع) از کوفه تا شام منتشر شده است که بیشتر آن ها فاقد نواوری و تکرار مکررات کارهای قبلی است. ضمن تحقیقات انجام شده درباره بازگشت کاروان اسرای اهل بیت^(ع) به کربلا در روز اربعین، بررسی مسیر اسرا با توجه نویسندگان و پژوهشگران رو به رو شده است، البته گاه برخی از آنان بر اساس پیش فرض خود، مبنی بر رسیدن یا نرسیدن کاروان در تاریخ مزبور، به تعیین مسیر پرداخته اند.

به طور کلی مهم ترین مانع در شناخت و تعیین مسیر جغرافیایی کاروان اسرای اهل بیت^(ع) از کوفه تا شام، همان طور که شماری از پژوهشگران معاصر گوشزد کرده اند، این است که در هیچ یک از منابع تاریخی معتبر و دست اول، آگاهی های درخور اعتمادی در این باره به چشم نمی خورد. از این رو، با توجه به فقدان نص تاریخی صریح، لازم است از شواهد تاریخی دیگری برای تعیین و تشخیص مسیر احتمالی استفاده کرد.

- زیارتگاه های سر امام حسین(ع) و اسرای کربلا

نکته ای که تا کنون بسیاری از پژوهندگان مسئله اربعین حسینی به آن توجه نکرده و غافل مانده اند، این است که در شماری از شهرهای واقع در طول مسیر سلطانی، زیارتگاه های متعددی مرتبط با کاروان اسرای کربلا و سر امام حسین^(ع) وجود داشته که برخی از آن ها تار و زار گار حاضر نیز باقی مانده است. منابع و مدارک تاریخی، نشان دهنده وجود بیشتر این زیارتگاه ها، دست کم از سده ششم هجری است و این مسئله به نوعی، شهرت مسیر سلطانی را به عنوان مسیر کاروان اسرای اهل بیت^(ع) از آن دوره می رساند.

از مهم ترین این منابع، کتاب الاشارات الی معرفة الزیارات، تألیف علی بن ابی بکر هروی است که در نیمه دوم سده ششم نگاشته شده است و نخستین و مهم ترین متن تاریخی موجود درباره زیارتگاه های جهان اسلام محسوب می شود و در آن، به شماری از زیارتگاه های منسوب به سر امام حسین^(ع) و دیگر شخصیت های اهل بیت^(ع)، در شهرهای واقع در طول مسیر سلطانی اشاره شده است.

منبع دیگر، مناقب آل ابی طالب، اثر ابن شهر آشوب است که در آن، به آشکار شدن کراماتی از زیارتگاه های مشهور به «مشهد الرأس» در شماری از شهرهای میان کر بلا تا عسقلان، شامل موصل یا موصلین، نصیبین، حمه، حمص و دمشق، اشاره شده است.

در ادامه فهرستی از زیارتگاه های رأس الحسین^(ع) یا مقام های دیگری مرتبط با شخصیت های اسیر در کاروان اهل بیت^(ع)، آ که با استناد به منابع و مدارک قدیمی (اغلب از سده ششم یا هفتم) در شهرهای واقع در طول مسیر سلطانی وجود داشته است، به دست می دهیم.

- موصل / مشهد رأس الحسین(ع)

این شهر آشوب و هروی از این زیارتگاه یاد کرده اند و هروی آن را به عنوان «محل گذاشتن سر امام حسین^(ع) در زمان عبور اسرا» معرفی کرده است.

- بلد / مقام عمر بن امام حسین(ع)

بلد، شهر کوچکی در شمال موصل بوده که امروزه به نام اسکی موصل شناخته می شود. هروی به وجود زیارتگاهی به نام «عمر بن الحسین» در این شهر اشاره کرده که با استناد به کتیبه موجود در آن، این زیارتگاه، مقام عمر بن امام حسین^(ع) در زمان اسارت وی در سال ۶۱ قمری بوده و ساختمان زیارتگاه را شخصی به نام ابراهیم بن قاسم مدائنی ساخته و خان القطن (سرای پنبه) در بازار کهنه شهر بلد را وقف آن کرده است.

- نصیبین / مسجد امام زین العابدین(ع)؛ مشهد الرأس و مشهد النقطه

این شهر آشوب به وجود «مشهد الرأس» (زیارتگاه رأس الحسین) در نصیبین اشاره کرده است. هروی نیز به وجود سه زیارتگاه در این شهر اشاره کرده است که عبارت بوده اند از: مسجد امام زین العابدین^(ع)، مشهد الرأس که درباره آن گفته شده است: «در زمان بردن اسرا به شام، سر امام حسین^(ع) را در این محل آویخته اند و مشهد النقطه که درباره آن گفته اند: «از سر امام حسین^(ع) خونی در آنجا چکیده است.»

- «بالس» / مشهد الحجر

«بالس» شهر تاریخی کهنی در شمال شام بر ساحل رود فرات است که در قرون اولیه اسلامی، بندرگاه کشتی هایی که در این رود حرکت می کردند، شناخته می شده است. بخشی از ویرانه های این شهر امروزه در ساحل دریاچه عظیم اسد که پس از تأسیس سد بزرگ فرات در غرب رقه به وجود آمده، هنوز رؤیت می شود و در چند کیلومتری آن، شهر نسبتاً جدیدی به نام «مسکنه» قرار دارد. هروی از زیارتگاهی به نام «مشهد الحجر» در بالس یاد کرده است که به گفته وی، «محل گذاشتن سر امام حسین^(ع) در زمان عبور اسرا بوده است. امروزه درون قبرستانی قدیمی مشرف به ویرانه های شهر بالس، محلی وجود دارد که اهالی منطقه، آن را مقام رأس الحسین^(ع) می دانند و ممکن است بقایای زیارتگاه اشاره شده هروی باشد.

- حلب / مشهد الدّگّه یا مشهد السقط (مشهد المحسن)

این زیارتگاه امروزه در سمت غربی شهر حلب قرار دارد و آن را مدفن محسن، فرزند امام حسین^(ع) می دانند. محلی که زیارتگاه در آن قرار دارد، کوه کوچکی است که در گذشته «جوشن» نام داشته و بنا بر باورهای کهن مردم حلب، محل توقف اسرای اهل بیت^(ع) در زمان رسیدن آن ها به حلب بوده است و گویند در این محل، یکی از زنان امام حسین^(ع) فرزندی را که از آن حضرت باردار بوده، سقط کرده است.

هروی در نیمه دوم سده ششم از این زیارتگاه یاد کرده و ابن عدیم آن را زیارتگاه شیعیان حلب دانسته است. بر اساس آنچه از تاریخ مفقود ابن ابی طی، مورخ شیعه حلب، نقل شده است، سیف الدوله حمدانی در سال ۳۵۱ قمری، سنگ قبر قدیمی محسن را در اینجا شناسایی کرده و بر آن زیارتگاهی ساخته است و این زیارتگاه در دوره حکومت های بعدی (بنی مرداس، آل زنگی و ایوبیان) به تدریج توسعه یافته است.

- کفرطاب / مشهد رأس الحسین(ع)

کفرطاب از شهرهای باستانی مناطق مرکزی شام بوده که ویرانه های آن امروزه در غرب روستای «خان شیخون»، در میان راه حمه و معرة النعمان باقی مانده است. در برخی منابع متأخر، به وجود یک زیارتگاه رأس الحسین^(ع) نزدیک خان شیخون اشاره شده که کامل شحاده، باستان شناس سوری، محل آن را در حوالی روستای «تل عاس» (در جنوب ویرانه های کفرطاب) تعیین کرده و با استناد به شکل معماری بنا، آن را مربوط به دوره ایوبی دانسته است.

- حمه / مشهد رأس الحسین(ع)

این شهر آشوب به وجود این زیارتگاه اشاره کرده است. امروزه در شهر حمه مسجد و زیارتگاهی تاریخی به نام «مسجد الحسنین» وجود دارد که با استناد به کتیبه ای بسیار قدیمی در آن، در سال ۵۵۲ قمری در دوره سلطان نورالدین محمود بن زنگی بازسازی شده و در کتیبه دیگری، از آن به نام «مشهد رأس الحسین^(ع)» یاد شده است.

- حمص / مشهد رأس الحسین(ع)

این شهر آشوب به وجود این زیارتگاه اشاره کرده است. گفته می شود که این زیارتگاه در دوره های بعدی به نا های «زاویه حسنبویه» یا «مسجد علی و حسین»، به حیات خود ادامه داده است و در دوره اخیر تنها مناره آن باقی بوده که آن هم به دست شهرداری حمص از بین رفت.



گفت وگوی شهرآرا با محمد اسفندیاری، عاشوراپژوه درباره عنصر حماسه در قیام عاشورا

قیام امام حسین (ع) برای کیان دین بود



مجسمه امام حسین(ع) در موزه شام، راس العین، استان حلب

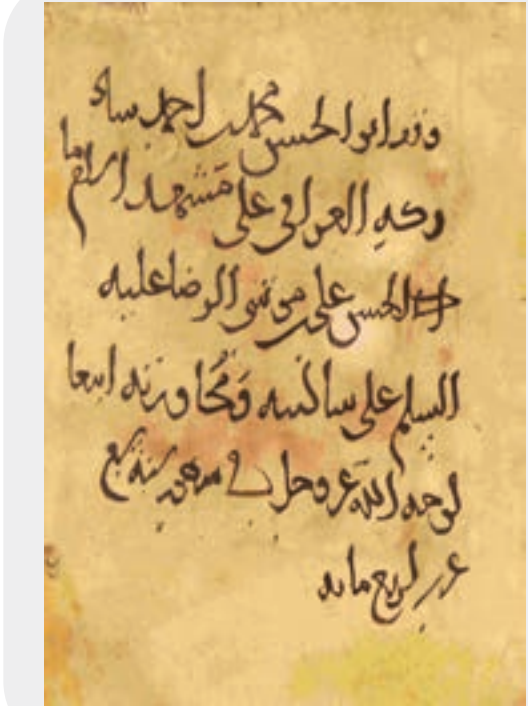
می گیرند.

از آنچه گفتیم، چند نتیجه می توان گرفت: اول اینکه نباید شیعه، امام حسین^(ع) را مصادره کند و در انحصار تشیع داند. آری، شیعه از مذاهب دیگر به آن حضرت نزدیک تر و حسینی تر است، ولی راه باز است و دیگران نیز می توانند به او تمسک جویند. شیعه باید آن حضرت را نخست در ذیل نام دین (اسلام)، عرضه دارد و سپس در ذیل نام مذهب تشیع.

حماسه حسین^(ع) برای دین بود و باید از همه مسلمانان خواست که این احیاگر اسلام را پاس دارند و از آن خود شماندو حماسه سرا و عزادار ش باشند زیرا که راه آن حضرت، راه پیامبر است. شیعه، حسین^(ع) را به پیامبر نیفزوده است، بلکه به حسین چنگ زده تا پیامبر را از چنگ نهد.

دوم اینکه نباید به دستاویز برخی اختلافات میان شیعه و سنی امام حسین^(ع) را قربانی اختلافات ساخت. آن حضرت فراتر از این اختلافات است، از آن رو که اساس و کیان اسلام رانجات داد و با خون خود، اسلام نبوی را از

سوم اینکه امام حسین^(ع) را می توان به عنوان محور اتحاد مسلمانان مطرح کرد. اهل سنت نیز مانند شیعه، قیام او را برای اعتلای دین می دانند و دشمنانش را محکوم می کنند. به حسین بزرگ ترین عامل وحدت بخش مسلمانان است.



به مثابه امر فرهنگی بررسی می کنند. در این کتاب، نویسنده کوشیده با رویکرد انسان شناسی به مناسک عزاداری و ابعاد مختلف آن پرداخت. در بخش اول کتاب، نویسنده بر اساس سنت نظری انسان شناسی در مطالعه نظام اساطیری یک فرهنگ به عنوان هسته و منشور معنایی فرهنگ و جامعه سعی می کند برای فهم فرهنگ شیعی و نظام معنایی مرکزی آن چارچوبی را تدوین کند. سنت انسان شناسی با تأکید بر فرهنگ های زنده آنچه در مطالعه ادوار کهن اسطوره می نامند و معمولاً بیانگر نظام ارزشی و باورهای مرکزی یک جامعه در دوره های قدیم است در شرایط امروزی و در شکل زنده و جاری آن جست وجو می کند. کتاب «آیین واسطوره در ایران شیعی: انسان شناسی مناسک عزاداری محرم» نوشته دکتر جبار رحمانی از سوی نشر آرمادر سال ۱۴۰۱ منتشر شده است.

در جامعه شیعی نیز می توان مناسک و اساطیر را

از این منظر مطالعه کرد. می توان یک مجموعه محوری از نظام های مناسکی و اساطیری را معین کرد که نقشی محوری در دین داری عامه مردم و بدنه اجتماع شیعی دارند. از این منظر مناسک عزاداری محرم و گفتمان کربلا یکی از مهم ترین ارکان فرهنگ و اجتماع شیعی محسوب می شوند. گفتمان کربلا را می توان یک نظام معنایی حول بازنمایی و روایت واقعه کربلا بر حسب زمینه ها و شرایط ذهنیت مؤمنان شیعی در جوامع زمان های مختلف دانست. رویکرد انسان شناختی به مناسک عزاداری در میان دیگر رویکردهای علمی اهمیتی خاص دارد. انسان شناسی به مثابه علم فرهنگ سعی دارد وجوه مختلف حیات انسانی را ادیل مقوله فرهنگ توصیف و تحلیل کند. از این رو انسان شناسی، مناسک عزاداری و نظام اساطیری حول آن را

از دیر باز شیعیان به علل متعدد، از جمله

بدین علت که کمتر درگیر سیاست بودند و چندان دغدغه سیاسی نداشتند، بیشتر با نگاه عاطفی به عاشورا می نگریستند، اما از قرن چهاردهم که شیعیان درگیر سیاست و مبارزه شدند، بیشتر با نگاه سیاسی به عاشورا می نگرد. این تحول گفتمان مبارک است؛ مشروط به اینکه در دشمن شناسی اشتباه نشود و هر دشمنی نیز یزید و یزیدی دانسته نشود.

پس با این حال غلبه نگاه سیاسی به واقعه عاشورا سبب برجستگی عصر حماسه شده است.
بله، امروزه که با نگاه سیاسی به عاشورا می نگرند، عنصر حماسه آن برجسته شده و امام حسین نه نماد مصیبت که نماد ظلم ستیزی شده است. شاهد اینکه واژه هایی که اکنون تکرار می شود، به ادبیات حماسی تعلق دارد، از جمله: آزادی، آزادی، انقلاب، نهضت، قیام، مبارزه، جهاد، شهادت، امر به معروف، نهی از منکر، اصلاح، حکومت، سیاست، عدالت.

درباره نهضت عاشورا گاهی سخن از این است که نزاع که با که بود و گاه سخن از این است که نزاع چه با چه بود. در میان ما همواره سخن از

آغاز شد و با جنایت یزیدیان به فرجام

آمد.

در طول تاریخ، روایت ها و تحلیل های ناموزونی از قیام امام حسین(ع) وجود داشته که در مواردی شاهد تحریف هایی نیز بوده ایم، چه

دلیل یا دلایلی باعث این تحریف ها شده است؟

به نظر من یکی از گونه های تحریف در تاریخ، ناموزن کردن اجزای آن است؛ یعنی جزئی از آن را بزرگ تر از اندازه اش، و جزء دیگر را کوچک تر نمایانند. با بزرگ و کوچک کردن اجزای یک رویداد تاریخی، تصویری به وجود می آید که بسیار اغراق آمیز است و با اصل آن تفاوت دارد. حتی اگر هیچ دروغی در تاریخ گفته نشود و هیچ تحریفی در آن نشود، همین که بخش های یک رویداد تاریخی کوچک تر و بزرگ تر شود، تحریفی بزرگ رخ داده است.

چنین تحریفی در تاریخ عاشورا به وقوع پیوسته است؛ بدین صورت که از دو جنبه شخصیت امام حسین^(ع)، یعنی ظلم ستیزی و مظلومیت، جنبه ظلم ستیزی آن کوچک تر شده و حتی نادیده مانده و امام حسین^(ع) در مظلومیت خلاصه شده است.



نابید به دستاویز اختلافات میان شیعه و سنی امام حسین(ع) را قربانی اختلافات ساخت. آن حضرت فراتر از این اختلافات است؛ از آن رو که اساس و کیان اسلام را نجات داد و با خون خود، اسلام نبوی را از اسلام اموی تفکیک کرد

چنین تحریفی در تاریخ عاشورا به وقوع پیوسته است؛ بدین صورت که از دو جنبه شخصیت امام حسین^(ع)، یعنی ظلم ستیزی و مظلومیت، جنبه ظلم ستیزی آن کوچک تر شده و حتی نادیده مانده و امام حسین^(ع) در مظلومیت خلاصه شده است.

نسخه ای نفیس به جامانده از تاریخ

ششم هجری نوشته شده است. نشان می دهد که «سادوکه» لقب یکی از خاندان شیعه در قم بوده و ایشان از اوایل قرن پنجم هجری، در دولت سلطان مسعود غزنوی امور دیوانی و اداری در شهر قم را بر عهده داشته اند. بعدها در عهد سلجوقیان نیز، ایشان همچنان در شهر قم و اطراف آن بسیار متنفذ بوده اند. شهرت اصلی آنان عراقی بوده است.

- قرآن وقفی ابوالحسن علی بن احمد

سادوکه عراقی

نسخه قرآنی وقف شده از سوی ابوالحسن علی بن احمد سادوکه عراقی (به شماره جزء ۴۳۵۲) را باید از قدیمی ترین نسخه های تاریخ دارو بسیار ارزشمند موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی محسوب کرد. این نسخه قرآنی مشتمل بر جزء دهم قرآن مجید (انفال، ۴۱. توبه، ۹۲) است.

شهرآرا اندیشه ا مناسک و آیین ها یکی از

ارکان اصلی حیات اجتماعی انسان هستند. از خلل آیین ها فرهنگ و معنا تولید شده و در افراد درونی می شود. نظام های مناسکی همیشه کارکردهایی بیش از کارکردهای صرف مذهبی داشته اند. پیوستگی نظام های مناسکی با جامعه، فرهنگ و سیاست و اقتصاد سبب شده است آن ها نقش مهم تری در حیات جامعه داشته باشند. بر این اساس هر جامعه فرهنگی ساز و کارهایی را برای تأکید بر معانی مهم و ایجاد فرایندهایی برای تولید این معانی تعبیه می کند که می توان آن ها را ادیل مفهوم مناسکی شدن مطرح کرد. شکل و شیوه عبادت امر مهمی برای جامعه است، امری که حول آن مجموعه ای از باورها و اعتقادات نیز شکل می گیرند که می توان آن ها را بخشی از نظام اساطیری آن فرهنگ دانست.

انسان شناسی

مناسک عزاداری

محرم

